بازخوانی فرهنگ دینی در جنبش نرم افزاری

پدید آورنده : موگهی (شمیم) ، صفحه 10

6. عروسی حضرت قاسم «علیه السلام»

در برخی از کتاب های تاریخی که به زندگی و شهادت امام حسین و یارانش «علیهم السلام» پرداخته اند، گفته شده است که حضرت در کربلا و در روز عاشورا، دختر خویش را به عقد حضرت قاسم «علیه السلام»، فرزند امام حسن مجتبی «علیه السلام» در آورد و مجلسی شبیه مجلس عروسی به پا کرد.

به نظر می رسد نخستین کسی که به این موضوع دامن زده، ملا حسین واعظ کاشفی (درگذشته 910 ق.) در کتاب خود، یعنی روضة الشهداء است. سپس این قضیه در کتاب المنتخب فی جمع المراثی و الخُطَب از مرحوم شیخ فخر الدین طریحی نجفی (979 - 1085 ق.)، نویسنده فرهنگ لغت مجمع البحرین، نقل شده که این کتاب به کتاب منتخب و کتاب فخری مشهور است. آن گاه قضیه به کتاب های دیگر راه یافته است.

ناگفته نماند که عبدالرزاق موسوی مقرّم درباره ذکر شدن عروسی حضرت قاسم «علیه السلام» در کتاب منتخب طریحی به نکته ای بدین گونه اشاره دارد: «هر چه در عروسی قاسم می گویند نادرست است؛ چرا که قاسم به سن بلوغ نرسیده بود و هرگز نصّ صحیحی نیز در این باره از مورخان وارد نشده است؛ اما شیخ فخر الدین طریحی با آن عظمت و جلالت در علم، امکان ندارد که چنین داستانی را نوشته باشد و بر کسی روا نیست که در حق او این خرافه را تصور کند. در کتاب او، منتخب، دست برده اند و این افسانه را داخل آن کرده اند؛ طریحی آن کس را هیچ وقت نخواهد بخشید.»

محدّث بزرگ شیعه، حاج میرزا حسین نوری «قدس سره» در کتاب خود، لؤلؤ و مرجان، سخنی بدین مضمون دارد: «قصه عروسی حضرت قاسم «علیه السلام» قبل از کتاب روضة الشهداء در هیچ کتابی، از عصر شیخ مفید تا عصر علامه مجلسی که بحمد الله تألیفات اخبار ایشان در هر طبقه فعلاً موجود است، اسمی از آن برده نشده است و چگونه می شود که قضیه ای به این عظمت و قصه ای چنین آشکار، محقق و مضبوط باشد، ولی به نظر تمام این جماعت، حتی ابن شهر آشوب که تصریح کرده اند هزار جلد کتاب مناقب نزد او بوده است، نرسیده باشد.» علاوه بر آن که به مقتضای تمام کُتُب معتمده سالفه مؤلّفه در فن حدیث و انساب و سیر، نمی توان برای حضرت سید الشهداء «علیه السلام» دختر قابل تزویجِ بی شوهری پیدا کرد تا این قصه - قطع نظر از صحت و سُقم آن به حسب نقل وقوعش نیز ممکن باشد». قابل توجه است که مرحوم حاج شیخ عباس قمّی «قدس سره» درباره عروسی حضرت قاسم «علیه السلام» سخنی صریح و بدین مضمون فرموده اند:

«از وقایع معروفه ای که در کُتب جدیده، مضبوط و نزد اهل علم و حدیث، عین و اثری از آن وقایع نیست، عروسی حضرت قاسم «علیه السلام» در کربلاست که در کتاب روضة الشهداء از فاضل کاشفی نقل شده و شیخ طُریحی که از جمله علما و معتمدین است، نیز از او نقل کرده، ولی در کتاب خود به نام «منتخب»، مسامحات بسیاری کرده است که بر اهل بصیرت و اطلاع پوشیده نیست».

مرحوم علامه مامقانی «قدس سره» نیز در کتاب خود، تنقیح المقال، سخنی بدین مضمون گفته است: «آنچه در کتاب منتخب طریحی درباره عروسی حضرت قاسم «علیه السلام» مُرسَلاً و بدون ذکر راویان آن نقل شده است، صحت ندارد و من و سایر اهل تحقیق و تتبع، چنین مطلبی را در کتاب های سِیَر و تواریخ و مَقاتِل معتبره نیافتیم.»

همچنین حاج شیخ جعفر شوشتری «قدس سره» سخنی تیز و بُرّان بدین گونه گفته است: «آنچه در میان جُهّال شیعه متداول شده است از شبیه عروسی قاسم «علیه السلام»، بی اصل است و دروغ است، بلکه مکرر گفته ام شبیه عروسی قاسم ساختن، ضربت زدن است بر امام حسین «علیه السلام»، یقینا دردِ این کارِ تشیع، بدتر است از دردِ آن شمشیرها، ضربت است بر حضرت... در بعضی از بلاد عجم در شبیه عروسی قاسم، ساز و مضیته و سایر آلات لهو و لعب می آورند، خوانندگی ها و خوشحالی ها می کنند مردم؛ این ها بدتر از ضربت زدن بر آن بزرگوار است».

شهید آیت الله مطهری «ره» نیز می فرماید: «حاجی نوری می گوید در همان گرماگرم روز عاشورا که می دانید مجال نماز خواندن هم نبود، امام نماز خوف خواند و با عجله هم خواند؛ حتی دو نفر از اصحاب آمدند و خودشان را سپر قرار دادند که امام بتواند این دو رکعت نماز خوف را بخواند و تا امام این دو رکعت نماز را خواندند، این دو نفر در اثر تیرهای پیاپی که می آمد، از پا در آمدند.»

مجالی برای نماز خواندن به اینها نمی دادند، ولی گفته اند در همان وقت امام فرمود: حجله عروسی را بیندازید من می خواهم عروسی قاسم با یکی از دخترهایم را در این جا، لااقل شبیه آن هم که شده ببینم. من آرزو دارم، آرزو را که نمی شود به گور برد. شما را به خدا ببینید حرف هایی را که گاهی وقت ها از یک افراد در سطح خیلی پایین می شنویم که مثلاً می گویند من آرزو دارم عروسی پسرم را ببینم، آرزو دارم عروسی دخترم را ببینم، به فردی چون حسین بن علی نسبت می دهند؛ آن هم در گرماگرم زد و خورد که مجال نماز خواندن نیست! و می گویند حضرت فرمود: من در همین جا می خواهم دخترم را برای پسر برادرم عقد بکنم و یک شکل از عروسی هم که شده است در این جا راه بیندازم. یکی از چیزهایی که از تعزیه خوانی های قدیم ما هرگز جدا نمی شود عروسی قاسم نو کدخدا، یعنی نو داماد بود، در صورتی که این در هیچ کتابی از کتاب های تاریخی معتبر وجود ندارد. حاجی نوری می گوید: ملا حسین کاشفی اولین کسی است که این مطلب را در کتابی به نام روضة الشهداء نوشته است و اصل قضیه، صد در صد دروغ است. به قول آن شاعر که گفت:

بس که ببستند بر او برگ و ساز

گر تو ببینی نشناسیش باز

اگر سید الشهداء «علیه السلام» بیاید و اینها را مشاهده کند - البته او در عالم معنا که می بیند، اگر در عالم ظاهر هم بیاید - ، می بیند ما برای او اصحاب و یارانی ذکر کرده ایم که اصلاً چنین اصحاب و یارانی نداشته است.

شایسته می آید که سه استفتا در این زمینه به ترتیب از حضرت آیت الله فاضل لنکرانی و حضرت آیت الله تبریزی و حضرت آیت الله مکارم شیرازی را به قلم آوریم:

سؤال: در مورد تعزیه ها و روضه هایی که به نام ازدواج حضرت قاسم «علیه السلام» در کربلا خوانده می شود، چه می فرمایید؟

جواب: آنچه در مورد عروسی حضرت قاسم مطرح شده یا می شود، صحیح نیست و اثری از این قضیه در کتب معتبره وجود ندارد. مضافا بر این که حضرت قاسم به سن ازدواج نرسیده بود؛ بلی در کتاب منتخب مرحوم طُریحی چیزهایی که مناسب ازدواج آن حضرت است نقل شده، ولی ظاهرا این مطالبِ نادرست را بعد از آن مرحوم، افراد مُغرض یا نادان به آن کتاب اضافه کرده اند و مرحوم طریحی برتر از آن است که این مطالب را که مناسبتی با واقعه عاشورا ندارد، در کتاب خود بنویسد. در عین حال، آنچه در کتاب طریحی آمده، به این نحو که بعضی در مراسم تعزیه داری و به صورت خرافی پیاده می کنند، نمی باشد.

سؤال: آیا حضرت قاسم بن الحسن المجتبی «علیه السلام» در روز عاشورا با دختر امام حسین «علیه السلام» عقد کرد به طوری که در بعضی کتاب ها به این امر اشاره شده است؟ نظر حضرت عالی را خواستاریم؟

جواب: این مطلب نقل شده، ولی به سند معتبر ثابت نیست، و الله العالم.

سؤال: آیا داستان عقد و عروسی حضرت قاسم بن الحسن «علیه السلام» در کربلا صحت دارد؟ خواندن و بیان کردن این داستان چه حکمی دارد؟

جواب: چون در منابع معتبر نیامده است، بهتر ترک آن است.

شاید ریشه این تحریف آن باشد که حضرت قاسم «علیه السلام» دارای برادری به نام حسن (حسن بن الحسن «علیه السلام») بوده که او را حسن مُثَنّی می گفته اند؛ زیرا نام خودش حسن و نام پدرش امام حسن «علیه السلام» بوده و در نتیجه، حسن دومی (حسن مُثَنّی) نامیده شده است.

حسن مثنّی همان کس از فرزندان امام حسن مجتبی «علیه السلام» است که با فاطمه، دختر امام حسین «علیه السلام» پیش از روز عاشورا و ورود به کربلا و ظاهرا به سال شصت هجری قمری، یعنی همان سالی که امام حسین «علیه السلام» در مکه حضور داشته، ازدواج کرده و البته در کربلا بوده و در رکاب عمویش، حضرت سید الشهداء «علیه السلام» جنگیده است و حتی به سختی زخمی شده و جزو اسیران کربلا نیز بوده و سپس به مدینه باز گشته است و در سی و پنج سالگی از دنیا رفته و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شده است.

پی نوشت ها:

1. ملا حسین واعظ کاشفی، روضة الشهداء، ص 320 - 322، به نقل از: تحریف شناسی عاشورا و تاریخ امام حسین «علیه السلام»، محمد صحتی سردرودی، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل (وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر)، 1383، ص 182 - 184.

2. فخر الدین طریحی، المنتخب، ص 372 - 374، به نقل از همان، ص 184.

3. عبدالرزاق موسوی مقرّم، مقتل الحسین «علیه السلام»، ص 264، به نقل از: تحریف شناسی عاشورا و تاریخ امام حسین «علیه السلام»، همان، ص 188.

4. حاج میرزا حسین (محدّث) نوری، لؤلؤ و مرجان، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات فراهانی، 1364، ص 194.

5. حاج شیخ عباس (محدّث) قمی، مُنتهی الآمال، بدون نوبت چاپ، تهران، مؤسسه مطبوعاتی حسینی، بدون تاریخ انتشار، ص 559.

6. آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبایی، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء «علیه السلام»، چاپ سوم، قم، بنیاد علمی و فرهنگی شهید آیت الله قاضی طباطبایی، 1368، ص 686.

7. حاج شیخ جعفر شوشتری، فوائد المَشاهد، بدون نوبت چاپ، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، بدون تاریخ انتشار، ص 246 - 247.

8. آیت الله مرتضی مطهری، حماسه حسینی، 3 جلد، چاپ یازدهم، قم، انتشارات صدرا، 1366، ج 1، ص 27 - 28.

9. آیت الله محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (استفتاآت)، 2 جلد، چاپ پنجم، قم، مطبوعاتی امیر (مرکز پخش)، 1377، ص 624، ج 1، سؤال 2180.

10. آیت الله میرزا جواد تبریزی، استفتائات جدید، چاپ اول، قم، انتشارات سُرور، 1378، ص 456، سؤال 2015.

11. آیت الله ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، 3 جلد، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، چاپ دوم، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب - علیهما السلام-، 1376، ج 1، ص 508، سؤال 1657.

12. مُنتَهی الآمال، همان، ص 291 - 292؛ تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء «علیه السلام»، همان، ص 683 - 689.